

واکاوی نقش تزئینات خورون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز با تأکید بر مؤلفه‌های حس تعلق به مکان

چکیده

تعلق به مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه مکانی برقرار می‌کنند، جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و آنجا احساس آرامش و امنیت می‌کنند. امروزه انسان‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که بی‌توجهی به انسان و نیازهای او در طراحی و ساخت آن‌ها، مشکلاتی از قبیل کاهش احساس تعلق و آرامش را به همراه داشته است. این پژوهش باهدف احیای تزئینات و حس تعلق در ساختمان‌های معاصر احترام به فرهنگ بومی هست و در دو بخش موردبررسی قرار گرفته است، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و مستندسازی با استفاده از منابع و استناد کتابخانه‌ای و همچنین مطالعات میدانی تحلیل الگوها تزئینات آجرکاری از نظر شکل کیفی توسط نرم‌افزار اتوكد و به‌وسیله نگارندگان به روش توصیفی و تحلیلی تکمیل گردیده است؛ سپس در فرآیند تحقیق به روش تطبیقی - مقایسه‌ای تزئینات جداره‌های مذکور از منظر تأثیر مؤلفه حس تعلق در تزئینات خورون چینی اهواز مورد مذاقه قرار گرفته است. تزئینات خورون چینی که در خانه‌های موردبررسی بیشترین شکل تزئین را به خود اختصاص داده است، چهار بر راسته و چلیپا و چهاربر مورب و بازوبند به ترتیب و از لحاظ رنگ خاکی و مصالح اجری و آجرکاری خورون چینی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است همچنین تحلیل تزئینات خورون چینی با توجه به مؤلفه‌های حس تعلق به صورت جداول تطبیقی ارائه شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش تزئینات خورون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز.
۲. بررسی تحلیل تزئینات خورون چینی با توجه به مؤلفه‌های حس تعلق به صورت جداول تطبیقی.

سؤالات پژوهش:

۱. نقش تزئینات خورون چینی جداره‌ها در خانه‌های سنتی شهر اهواز چگونه هست؟
۲. تزئینات خورون چینی با توجه به مؤلفه‌های حس تعلق به مکان چگونه هست؟

کلیدواژه‌ها: تزئینات، خورون چینی، تعلق مکان، خانه‌های سنتی، اهواز.

مقدمه

معماری غنی ایرانی - اسلامی در دوره‌های گذشته، تأثیری غیرقابل تردید را بر آیندگان خود گذاشته‌اند؛ این تأثیر را در هر دوره‌ای می‌توان مشاهده کرد. یک شهر سنتی ضمن بهره‌مند شدن از مزایای یک شهر مدرن بایستی با حفظ هویت و روحیه اسلامی و میراث فرهنگی غنی، در بستر زمان به مسیر خود ادامه دهد (بهزادفر، ۱۳۹۰). معماری ایران اسلامی از تحولات هنر غربی بی‌نصیب نبود و با تکرار و تقلید از الگوهای معماری بیگانه در چنبرهٔ بحران هویت گرفتار آمد، اکنون معماری ایران برای بازیافتن جایگاه هویتی خود، راه دشواری را در پیش رو دارد. در میانه این راه دشوار نیازمند ابزارهایی برای تشخیص و تمایز در احیای معماری اسلامی هستیم. استفاده تزئینی از عناصر وارداتی و مدگرایی‌های مقطعی در طراحی به مقوله فرهنگ آسیب‌های جدی وارد کرده است (عباسی، ۱۳۹۸). براین‌اساس سکونتگاه‌های انسانی به سرپناهی موقت بدون معنا و بی‌ثمر که کارکرد راستین مامن و مأوا بودن را از دست داده و منجر به ایجاد بیگانگی شده تقلیل یافته‌اند که پیامدهایی چون ازدست‌رفتن و حس تعلق، عدم وابستگی و عدم خودباوری را به همراه خواهد داشت و موجب کاهش توانایی و اعتماد به نفس شهروندان می‌گردد (صفرنژاد، کریمی آذری و غلامعلی‌زاده، ۱۳۹۵). زیبایی و ارزش هنر اسلامی به‌ویژه معماری تا حدودی زیادی به تزئینات آن بستگی دارد؛ به بیان دیگر شهر زمینه بصری مشترکی است که همه شهروندان هر روز به ناگزیر در معرض آن قرار می‌گیرند و بایستی از آن استفاده کنند در این بین نما فصل مشترک بین جداره‌های ساختمان با فضای عمومی که صرفاً سطح نیست؛ بلکه متناسب با فرم ساختمان‌اند می‌توانند عناصر کم‌وبیش برجسته‌ای را شامل شوند. نما به‌عنوان عنصر مستقل معماری زمانی مطرح است که تأکید بر جهت خاص و حرکت در بنا از طریق تغییر تناسبات و روابط فضایی داشته باشد (طلایی، انصاری و درجور، ۱۳۹۸). نما تلویحاً صحنه تئاتری که آن واقعیت به‌هم‌ریخته خانه را پشت توهمی از شکوه و تشریفاتی پنهان می‌کند (هالیس، ۱۴۰۰).

اگر برای معماری کالبد و روحی قائل باشیم بی‌گمان در معماری ایرانی تزئینات همانند روحی خواهد بود که کالبد سازه‌ها را به‌تمامی دربرگرفته است (پریسا صحافی اصل، حبیب‌الله آیت‌اللهی، ۹۰). نقش تزئینات در معماری سواي آن ارزش ظاهری خود دارای ارزشی برگرفته از فرهنگ و عقیده و آرمان‌هایی است که استمرار یافته است. تزئینات در معماری از یک‌جهت ذهن بینندگان را به زیبایی شکلی و ظاهر نقش‌ها و نوع کاربردی و از جهت دیگر دیدگاه بیننده را به راز و رمز فرهنگی که در مفاهیم و نقش‌ها پوشیده شده است فرامی‌خوانند (بلبلیان و همکاران، ۱۳۹۰). آنچه امروزه در شهرهایی با پیشینه‌های تاریخی مانند اهواز رو به وقوع است، عمدتاً در جهت نابودی این عناصر و کالبد‌های نقش‌آفرین، در بازیابی هویت شهری است (مهدوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹). تعلق به مکان به‌عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه مکانی برقرار می‌کنند تعریف می‌شود جایی که آن‌ها تمایل به ماندن دارند و جایی که در آنجا احساس آرامش و امنیت می‌کنند (آبادی، ۱۳۹۷). تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است به‌منظور بهره‌وری و حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد و فراتر از استقرار در یک مکان است (بهزادپور، ۱۳۹۹). امروزه انسان‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که بی‌توجهی به انسان و نیازهای او در طراحی و ساخت آن‌ها، مشکلاتی از قبیل کاهش احساس تعلق و آرامش را به‌همراه داشته است (مطلبی، فروزنده: ۱۳۸۸). مکان‌هایی که افراد خود را به آن‌ها متعلق می‌پندارند سرزنده و پویا هستند، افراد متعهد خود را در برابر آن‌ها مسئول می‌انگارند و بر جهت ارتقای مطلوبیت آن‌ها می‌کوشند؛ در نتیجه، این مکان‌ها دائماً در حال پویا شدن و تغییر هستند (حبیبیان و حاتمی‌نژاد: ۱۳۹۰). این حس که عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط

هست، نهایتاً منجر به ایجاد محیط‌های باکیفیت نیز خواهد گردید (فلاح، ۱۳۸۵). زمانی معماری سنتی در این زمینه حرف‌های زیادی برای گفتن داشت که نمونه این تأثیر را در آرایه‌بندی در جداره‌های شهری بافت قدیم اهواز به شیوه‌های متنوعی خواهیم دید به شیوه آجرکاری، در واقع شیوه سنتی تزئین نما با استفاده از آجر هست که در نماهای سردر به چشم می‌خورد که نه به هدف خودنمایی و بیان خویشتن به جهت بیان مفهومی درونی و بومی، اقلیمی به کار می‌رود توجه به همه این موارد احیای تزئینات معماری ایرانی - اسلامی را در بافت اهواز ضروری می‌نماید و شناسایی نقوش تزئینی و تأثیر مولفه‌های حس تعلق در ارتباط با تزئینات مورد بررسی قرار خواهد داد. این مقاله در راستای پاسخگویی به پرسش «یکی از مسائل مهمی که در معماری بومی اهواز مطرح است در خصوص تزئینات و نقوش سنتی این شهر است که نقوش تزئینی اهواز و مصالح و رنگ غالب کدام است و رابطه این نقوش در ارتقا حس تعلق به مکان باتوجه به مؤلفه‌ها چگونه است؟» است.

براساس ماهیت پرسش تحقیق و از آنجاکه نمونه‌های مورد بررسی همگی متعلق به گذشته‌اند، این پژوهش از نوع کیفی صورت گرفته است. پژوهش حاصل در دو بخش بررسی شده است، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها و مستندسازی با استفاده از منابع و استناد کتابخانه‌ای و همچنین مطالعات میدانی تحلیل الگوها تزئینات آجرکاری از نظر شکل کیفی توسط نرم‌افزار اتوکد به دست آمده است و به وسیله نگارندگان به روش توصیفی و تحلیلی تکمیل گردیده است. در این تحقیق با استناد به هشت نقش تزئینی آجر با خون‌چینی متمرکز به گونه‌شناسی نقش‌های آجری براساس تعداد اجزای تشکیل‌دهنده از نتایج آفرینش همه نقوش بر زمینه شطرنجی هستند. باتوجه به سوابق مکتوب به توصیف و تحلیل تزئینات بناهای اهواز خواهیم پرداخت که بر اساس مطالعه میدانی و منابع تصویری که نگارندگان از بناهای منتخب داشته به دست می‌آید. تحلیل نمونه بناها با استفاده از شرایط زیر هستند:

۱. بنای موردنظر در دوره پهلوی و قاجار ساخته شده یا حداقل تزئینات ورودی آن متعلق به این دوره باشد.

۲. بناهایی از نوع کاربری مسکونی و واجد ارزش تاریخی و فرهنگی و از بناهای شاخص بافت تاریخی باشد.

۳. نوع تزئین به شکل آجرکاری بر روی بستر سازه و بر روی جداره بنا به کار رفته باشد

سپس در فرایند تحقیق به روش تطبیقی - مقایسه‌ای، با حضور نویسندگان در بافت سنتی اهواز و مطالعات میدانی، به توصیف و تفسیر و ارائه مصداق‌ها از تزئینات خوون‌چینی ورودی خانه‌های سنتی و بررسی آن‌ها در نمونه موردنظر پرداخته شد و تزئینات جداره‌های مذکور از منظر واکافی مؤلفه حس تعلق در تحقق محیط و مکان و تزئینات تأثیر مؤلفه حس تعلق در تزئینات خوون‌چینی اهواز مورد مذاقه قرار گرفته است.

به‌منظور بررسی ادبیات پژوهش در خصوص نقش تزئینات در معماری سنتی در جهت ارتقا حس تعلق نمونه موردی تزئینات خوون‌چینی اهواز تعدادی مأخذ شامل کتب و مقالات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از کل به جز به‌منظور یافتن خلأهای موجود صورت گرفته است. کتاب زبان تزئین جیمز تریلینگ (تریلینگ، ۱۳۹۴) هنر تزئین را با مطالعه‌ای تطبیقی بر هنرهای قومی متعدد جهانی و از پس دوره نوگرایی مطرح می‌کند. کتاب پیش رو ضمن روایت تاریخ هنر به شرح نظری هنر تزئین و ساختار آن می‌پردازد و بیان می‌دارد و به مطالعه هنر تزئین در عرصه‌های معماری، مجسمه‌سازی، طراحی لباس و پارچه و غیره می‌پردازد است (پاکدامن، ۱۳۹۲). کتاب براساس تحلیل و طبقه‌بندی عناصر تزئینی به صورت کلی است و بررسی و کاربرد آموزه‌ها شامل آجر، کاشی... و در هفت فصل و فصل آخر (فصل هشتم) از جایگاه هندسه در تزئینات توضیح داده شده و انواع گره‌ها با ارائه تصاویر که می‌تواند با پژوهش حاضر مطابقت

داشته باشد. کتاب دزفول شهر اجر (نعیما، ۱۳۷۶) در دو جلد چاپ شده که شامل ترسیم عکس‌هایی از یک‌صد نما برگزیده شهر و نحوه استفاده از آجر در پلان و نما است. جلد دوم کتاب شامل یک‌صد و پنجاه نقش خوون‌چینی است که از نماها حاصل می‌گردد. یکی از کامل‌ترین کتاب‌های چاپ شده در خصوص کاربرد تزئین آجر و طرز چیدن خوون و فریز توضیحاتی ارائه می‌دهند. کتاب حاضر تطابق کامل با اهداف پژوهش در خصوص موضوع خوون‌چینی دارد و کلیه فصول می‌تواند مهم و ضروری باشد. در مقاله «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروز» (حیدری، مطلبی و نگین تاجی، ۱۳۹۳)، با طرح این پرسش که چرا رنگ تعلق از چهره‌خانه‌های امروزی برگرفته شده است، آغاز می‌گردد. برای پاسخ به این سؤال، نمونه‌هایی از خانه‌های سنتی دارای سکنه و مجتمع‌های مسکونی جدید در شهر شیراز انتخاب شد. این پژوهش در بخش تحلیل حس تعلق می‌تواند راه‌گشا باشد. مقاله «تأثیر حس تعلق به مکان ساکنان بر نمای بناهای مسکونی محالته مجاور مادی‌های اصفهان» (امجد و همکاران، ۱۴۰۰)، در خصوص سیمای محله از آشفتگی و نابسامانی ناشی از عدم هماهنگی در ترکیب عناصر نما پرداخته است. مقاله «خوون‌چینی تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول» (زرگرزاده و همکاران، ۱۳۹۵) با هدف مستندسازی و معرفی گونه‌های نقوش آجری - بافت دزفول - با توجه به گستردگی کاربرد آن‌ها در داخل بناهای مسکونی، سردرها و گاهی در جداره‌ی معابر ارائه شده است.

در اکثر مطالعات به ابعاد مختلف تزئینات و تاریخ تزئینات و نمادگرایی تزئینی اشاره شده است، اما در قالب تحقیق به ارتباط حس تعلق و تزئینات (خوون‌چینی) مطالعه جامعی صورت نگرفته است. تفاوت پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌ها از یک‌سو در چگونگی شکل تزئینات خوون‌چینی در جداره بناهای سنتی شهر اهواز و در چگونگی رابطه بین تزئینات خوون‌چینی تحت‌تأثیر حس تعلق مکانی است که در این پژوهش برای اولین بار به این موضوع پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری

تعلق به مکان چیزی بیش از تجربه‌ی عاطفی و شناختی بوده و عقاید فرهنگی مرتبط‌کننده‌ی افراد به مکان است. فرهنگی بودن تعلق مکان به معنای این است که در اکثر افراد تجزیه و تحلیل فضا به صورت نماد مشترک فرهنگی قابل تجربه است. آنچه یک فضا را به یک مکان ارتقا می‌دهد آمیخته شدن آن با مفاهیم عمیق و حاصل معانی است که در طول زمان گسترش و ژرفا پیدا می‌کند و مکان در این صورت ریشه‌دار تجربه می‌شود و لایه‌های اجتماعی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. معمار سنتی باید بنایی می‌ساخت که پیام فرهنگی داشته باشد، چراکه هدف ایجاد محیطی برای تکامل انسان بوده است بتواند به سوی کمال صعود کند این پیام را در محیط و خانه خود با زبانی ماندگار و مشترک که قادر به دیدن آن هستند. بخشی از این مفاهیم را با تزئینات بیان می‌کند. در تزئینات خوون‌چینی بافت سنتی اهواز با توجه به جداول ارائه شده در قسمت تطبیق مؤلفه‌های تزئینات با حس تعلق مکانی هماهنگی قابل توجه وجود دارد معانی برگرفته از هنر بومی و فرهنگ منطقه بوده که از تصویر ذهنی و گونه‌شناسی که به واسطه‌ی ریشه‌دار بودن احیای انسان، ایجاد آسایش، حس صمیمیت، راحتی در مکان در گذشته و حال به وجود آمده است، زیرا با تمام وجود این تفکر را درک کرده آن را در قالب هنر خود نمایش داده و براساس حضور، معانی و حس مکان شخص را به گونه‌ای با محیط پیوند می‌دهد که فهم و احساس انسان با زمینه‌ی معنایی محیط به یکپارچگی می‌رسد تزئینات خوون‌چینی اهواز نقش اساسی در وحدت جداره‌های شهری بازی می‌کردند و به بهترین نحو می‌توانند بیانگر روح عمیق فرهنگ ایرانی - اسلامی بوده و پیام هویت‌بخش آن را به بناها و جداره‌های شهری منتقل کنند. تزئینات جداره‌ها بر زیبایی گذر نیز

می‌افزود و با ایجاد سایه‌روشن‌هایی در بر روی دیوار کاربرد اقلیمی نیز داشته است، زیرا اساساً هویت به‌واسطهٔ ایجاد تداعی خاطره عمومی در شهروندان تعلق خاطر و وابستگی را نزد آن‌ها فراهم کرده است. معماری سنتی- بومی اهواز طبیعت و مؤلفه فرهنگ را در حالت کلی به خود جای‌داده و در نفس معماری بومی دو پیوند اساسی را محترم می‌شمارد. باتوجه‌به جداول تطبیقی ارائه‌شده در این راستا پیوند با مؤلفه اجتماعی (ادراکی-شناختی) که با سلسله ارزش‌های و رفتار فرهنگی و بُعد معنایی و اعتقادی پیوند دارد. همچنین از نقطه‌نظر کالبدی و زیباشناسی تزئینات خوون‌چینی تطبیق داده شده است. این داده‌ها هم ابزار کاربردی هستند و هم معنایی و فکری. مصالح آجر در شهر اهواز در بخش سنتی بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده است در این زمینه می‌توان گفت معجزه مرموز تزئینات آجر که از خاک درست و پخته‌شده احساس ما را برمی‌انگیزد، زیرا به گفته الکساندر در کتاب راز جاودانه بین طبیعت و ذهن انسان رابطه عمیقی وجود دارد از خصلت طبیعت برآمده است و الگوی رویداد در هر فرهنگ باتوجه‌به عناصر کالبدی که در آن مکان و باتوجه‌به فرهنگ آن منطقه اتخاذ می‌شده است. خصلت آجر همانند این اصل است سازگار بودن با خود، همانند انسانی که با خودسازگار است لذا اصیل است. بحث هندسه تزئینات خوون‌چینی نیز که به فضای قدسی دلالت دارد که از حکمت نشئت‌گرفته نیز از این اصل پیروی می‌کند و مسیر رشد و تکامل معنوی را سیر می‌کند و از عالم طبیعت تجلی می‌یابد که هندسه طبیعت بهترین سرچشمه فیاض و الهام‌بخش است درواقع انسان را از درون خود بیرون کرده و به تماشای خود وامی‌دارند. تزئینات خوون‌چینی معنای ذهنی و بُعد فرهنگی دارند و در قالب‌بندی جداره‌ها از یک‌طرف ارائه تصویر زیبا برای رهگذران از بُعد دیگر به‌صورت نمادین در ذهن انسان تداعی‌گر نام خداوند است و برخی از نقوش دلالت بر مفاهیم خاص دارد. درواقع شکل ظاهری به‌واسطهٔ الگوی ذهنی در مورد ویژگی‌های فضای قدسی و به‌عنوان نشانه و نماد فرهنگی معانی از محیط دریافت می‌شود از طریق پیش‌آموخته‌هایی که در عرف و تفکر دینی جامعه وجود داشته است، به شناخت محیط منجر می‌شود و از آنجاکه گرد تاریخ (زمان) بر آن‌ها نشسته به نظر حس تعلق مکان دارند.

منابع و مآخذ:

آبادی، جمشید؛ حبیبی، داوود؛ رحمانی، ابوالفضل؛ کسالایی، افسانه و افتخاری، یوسف. (۱۳۹۷). «کنکاشی پیرامون مؤلفه اثرگذار در ایجاد حس تعلق مکان در فضاهای شهری با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی». پژوهش‌های مکانی - فضایی ۶۸-۸۰.

ادوارد، رلف. (۱۳۹۰). مکان و حس لامکان. تهران: مترجم.

امجد، مرجان؛ مظفر، فرهنگ؛ طغیانی، شیرین و قاسمی، وحید. (۱۴۰۱). «نقش مادی‌ها در شکل‌گیری حس تعلق به مکان ساکنان هم‌جوار آن». فصلنامه علمی و مرمت معماری ایران، ۱۲، ۱۳۶-۱۱۹.

انصاری، مجتبی. (۱۳۸۱). «تزیین در معماری و هنر ایران با تأکید بر مساجد دوره اسلامی با تأکید بر مساجد». مدرس هنر، دوره اول، ۷۳-۵۹.

بلیلیان، یداء؛ ستارزاده، داریوش؛ خورشیدیان، ساناز و نوری، مریم. (۱۳۹۰). «بررسی ویژگی‌های هندسی گره‌ها در تزیین‌های اسلامی از دیدگاه فراکتال». فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی-اسلامی، ۸۵.

براند رابرت، هیلن. (۱۳۸۶). معماری اسلامی. مترجم: ایرج اعتصام. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

- بهزادپور، محمد. (۱۳۹۹). مکان و لامکان. تهران: طحان گستر.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۳). دایره‌المعارف هنر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پاکدامن، آرزو. (۱۳۹۲). آموزه‌های معماری ایرانی. تهران: سیمای دانش.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۳). الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. تهران: آرمان‌شهر.
- تابان، محسن؛ پورجعفر، بمانیان، محمدرضا و حیدری، شاهین. (۱۳۹۰). «تأثیر اقلیم بر شکل تزیینات معماری باتکیه بر تحلیل میزان سایه‌اندازی نقش جهان». مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲، ۹۰-۷۹.
- تریلینگ، جیمز. (۱۳۹۴). زبان تزیین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۴). «تزیین عنصر اصلی در زیباشناسی هنر ایرانی». باغ نظر، ۵۳، ۱.
- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰). «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». هویت شهر، ۱، ۲۷-۳۷.
- حبیبیان، بهار؛ حاتمی‌نژاد، حسین. (۱۳۹۹). «تبیین اثرپذیری سرزندگی محله‌های شهری از ابعاد دلبستگی مکانی نمونه مورد مطالعه: شهر اهواز». برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۳، ۱۷۹-۱۵۲.
- حق پرست، فرزین؛ آصفی، مازیار و ابی‌زاده، الناز. (۱۳۹۸). «تأثیر مؤلفه‌های هویت مکان بر حس تعلق به مکان، مطالعه بازار تاریخی تبریز». فصل‌نامه تحقیقات جغرافیا، ۳، ۳۱۲-۳۰۳.
- حیدری، علی‌اکبر؛ مطلبی، قاسم و نگین تاجی، فروغ. (۱۳۹۳). «تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی». نشریه هنرهای زیبا نشریه هنرهای زیبا، ۴، ۸۶-۷۵.
- دادور، ابوالقاسم؛ دالایی، زاده. (۱۳۹۵). مبانی نظری هنرهای سنتی. تهران: مرکب سپید.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۷). مکان و بی‌مکان. مترجم: نقصان محمدی، محمدرضا، ماندگاری، کاظم، زهیرمتکی، تهران: انتشارات آرمان‌شهر.
- رلف، ادوارد. (۱۳۹۹). مکان و لامکان. مترجم: محمد بهزادپور، فریده حسن‌پور، تهران: انتشارات طحان.
- رضالو، رضا؛ ایرملو، یحیی و آقاجانی، اسدالله. (۱۳۹۲). «مطالعه سیر تحول نقوش چلیپایی در تزیینات معماری دوره اسلامی ایران و زیباشناسی و نمادشناسی آن». هنرهای زیبا، هنرهای تجسمی، ۴، ۲۴-۵.
- زرگرزاده دزفولی، مجتبی؛ لاری بقال، کیانوش؛ سالاری، نجمه و بابایی مراد، مهناز. (۱۳۹۵). «خوون‌چینی، تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول». مطالعات معماری ایرانی، ۹، ۶۵-۴۸.

سرگزی، محمدعلی. (۱۳۹۲). «نشانه‌شناسی نقوش و تزیینات معماری اسلامی ایران». نقش‌مایه، دوره ۵، ۱۶، ۴۵-۴۲.

شاه‌چراغی، آزاده؛ بندرآبادی، علیرضا. (۱۳۹۹). محاط در محیط کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.

صفرنژاد، مهسا؛ کریمی آذری، امیررضا و غلامعلی‌زاده، حمزه. (۱۳۹۵). «شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای هویت شهر و افزایش حس تعلق شهروندان در طراحی بناهای اداری فرهنگی (مطالعه موردی: شهر رشت)». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۹، شماره ۴، ۳۲-۱.

صحافی اصل، پریسا؛ آیت‌اللهی، حبیب‌الله. (۱۳۹۰). «بررسی تداوم عناصر تزیینی معماری ایران باستان در معماری دوران اسلامی ایران تا پایان دوره صفوی». فصل‌نامه نگره، (۱۹)، ۶۳-۷۹.

طباطبایی، ملک. (۱۳۹۰). جداره‌های شهری و نقش آن‌ها در کیفیت محیط. تهران: آرمان‌شهر.

طلایی، مریم؛ انصاری، مجتبی و درج‌ور، فاطمه. (۱۳۹۸). «نقش تزیینات در بازیابی هویت ایرانی-اسلامی در جداره‌های شهری، مورد مطالعاتی: راسته تاریخی بالا و پایین خیابان شهر مشهد آرمان‌شهر». فصلنامه آرمان‌شهر، دوره ۱۲، شماره ۲۹، ۱۱۲-۹۹.

عبدالحمید، نقره. (۱۳۹۴). برداشتی از حکمت اسلامی در هنر و معماری. تهران: کتاب فکر نو.

عباسی، زهرا. (۱۳۹۶). «معیارهای زیباشناسانه نما و بدنه مطلوب شهری با تاکید بر هویت بومی (نمونه موردی حدفاصل میدان مطهری تا تقاطع خیابان حجت شهر قم)». مدیریت شهری، ۱۶، ۴۷، ۲۷۶-۲۵۶.

علوی‌نژاد، محسن؛ نادعلیان، احمد؛ کفشچیان، اصغر و شیرازی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح تزیینات معماری و دیوارنگاری در منابع اسلامی». فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، ۱۵، ۵-۱۷.

علوی، مهدی. (۱۳۹۰). کاشی. تهران: جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

عنانهاد، محمود؛ غلامعلی‌زاده، حمزه و اسدی‌ملک‌جهان، فرزانه. (۱۳۹۸). «سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله شهری». پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۱۹، شماره ۱۹، ۷۳-۸۸.

فرهنگ فارسی معین. (۱۳۸۶). تهران: پارس نوین.

فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۶۶-۵۷.

کیانی، مصطفی. (۱۳۹۲). «جایگاه هنر آجرکاری تزیینی در معماری دوره پهلوی اول». نشریه هنرهای زیبا، ۱۸، ۱، ۱۵-۲۸.

گودرزی، مرتضی. (۱۳۸۲). معماری مدرن از ۱۹۰۰. تهران: انتشارات سمت.

ماهرالنقش، محمود. (۱۳۸۱). میراث آجرکاری ایران. تهران: سروش.

ماهوش، مریم. (۱۳۹۳). نور در معماری قدیم ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- مجتهدزاده، روح‌الله؛ نام‌آور، زهرا. (۱۳۹۴). در جست‌وجوی هویت شهر اهواز. تهران: انتشاران راه و مسکن و شهرسازی.
- محرابی موقر، مهتاب. (۱۳۹۹). «نقش تزیینات در معماری سنتی در جهت ارتقا حس تعلق». پژوهش‌های مرمت و معماری اسلامی، ۴، ۳۲-۴۲.
- مطلبی، قاسم؛ فروزنده، علی جوان. (۱۳۸۸). «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن». هویت شهر، ۵، ۲۷-۳۷.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین. تهران: پارس نوین.
- مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۷). تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی (تزیینات معماری). تهران: سازمان سمت.
- ممانی، حمید؛ یاری، فهیمه و حقیر، سعید. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های معماری ایرانی - اسلامی و نقش هویت‌بخش تزیینات». فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۶، ۲۱، ۳۷-۴۴.
- مهدی‌نژاد مقدم، لاله؛ گودرزی، مصطفی. (۱۳۹۳). «محراب و نقوش به‌کاررفته در آن (دوره سلجوقی و ایلخانی)». نقش‌مایه، ۸، ۱۹، ۷-۱۸.
- نصر، سید حسین. (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. تهران: حکمت.
- نعیما، غلامرضا. (۱۳۷۶). دزفول شهر آجر. تهران: سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۹۶). تحقق‌پذیری هویت در معماری و شهرسازی. تهران: فکر نو.
- نقره‌کار، عبدالحمید؛ حمزه‌نژاد، مهدی و فروزنده، آيسان. (۱۳۸۸). «راز جاودانگی آثار معماری تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا و فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر». باغ نظر، ۶، ۱۲، ۳۱-۴۴.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- نوایی، کامبیز؛ حاج‌قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۹). خشت و خیال شرح معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سروش.
- هالیس، ادوارد. (۱۴۰۰). چگونه جایی را خانه خود کنیم؟ تهران: نشر هنوز.